

رجعت در آخرالزمان در کتب مقدس

گذشته از دلایل عقلي مبني بر صحت اعتقاد شيعيان به رجعت در آخرالزمان اين مفهوم در کتب مقدس پيامبران قبل از اسلام عهد عتيق و عهد جديد نيز بارها تکرار شده است...



گذشته از دلایل عقلي مبني بر صحت اعتقاد شيعيان به رجعت در آخرالزمان اين مفهوم در کتب مقدس پيامبران قبل از اسلام عهد عتيق و عهد جديد نيز بارها تکرار شده است.

رجعت از جمله اعتقادات شيعه اثنی عشری است که بیشتر در موضوعات مطروحه در مهدويت به کار برده می‌شود. و از مصدر ثلاثی مجرد از باب رجع به معنی بازگشتن و برگشتن است. این کلمه در موضوعات مختلف و متفاوتی استخدام و به کار رفته از جمله این موارد می‌توان از بازگشت روح به بدن مادي و زنده شدن انسان در دنیا، بازگشت روح به بدن پس از برپایی قیامت، جدایی روح از بدن و انتقال آن به بدن دیگری (تناسخ) و بازگشت حضرت مهدي (عج) و قیام او در قرآن نیز آیاتی از طرف خداوند ذکر شده که مبین و ناظر به دو معنای نخست است ربا ابصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صالحا، ای خدا ما، ما بینا و شنوا شدیم پس ما را برگردان تا کار نیکو دهیم (سجده 12) وضوونا انهم خلقناکم عبثا و انکم الینا لا یرجعون و گمان کردند که به سوي ما برگردانده نمی‌شود. (قصص/39) آنچه در این مطلب بدان پرداخته می‌شود بازگشت کسانی است که مردند و قبل از برپایی قیامت دوباره به جهان بازگردانده می‌شوند این معنی تنها به اعتقادات شيعيان پیرامون ظهور حضرت حجت (عج) اختصاص ندارد.

بلکه قبل از اسلام و در کتب مقدس دیگر پيامبران الهی نیز آمده است گذشته از دلایل عقلي مبني بر صحت این اعتقاد، دلایل تاریخی نیز در این رابطه وجود دارد که به تعدادی از آنها خواهیم پرداخت.

رجعت در عهد عتيق (تورات)

از جمله حکایاتی که در کتب مقدس عهد عتيق آمده داستان الیشع نبی است که در کتاب او پادشاهان ذکر شده است و او یکی از پيامبران بني اسرائيل است که کرامات و معجزات فراوانی از او نقل شده و در دعای ام داود و مناظرات امام رضا (ع) علمای یهود و مسیح از آن استدلال شده است.

در عهد عتيق داستان زنده شدن طفلي به دست الیشع که در قرآن از او به عنوان السع یاد شده است چنین نقل شده است: پس الیشع به خانه داخل شد دید که طفل مرده و بر بستر او خوابیده است چون داخل شد در را بر هر دو بست و نزد خداوند دعا نمود و برآمده بر طفل دراز شد و دهان خود را بر دهان وی و چشم خود را بر چشم او دست خود را بر دست او گذاشته و بر او خم شد و گوشت سرگرم شد و طفل هفت مرتبه عطسه کرد پس چشمان خود باز کرد. (1)

امام رضا در مناظره خود با یکی از علمای مسیحی که زنده کردن مردگان و شفای بیماران را نشانه خدایی عیسی (ع) می‌دانست فرمود: الیسع هم از این کارها می‌کرد روی آب راه می‌رفت، مرده زنده می‌کرد کور مادرزاد و پیسی را شفا می‌داد اما امتش وی خدا نخواندند و هیچکس او را نپرستید. (2)

این داستان که به زنده شدن پسری به دست ایلیا اشاره دارد: پسر آن زن که صاحب خانه بود بیمار شد و مرض او چنان سخت شد که نفس در او باقی نماند مرد و به ایلیا گفت: ای مرد خدا مرا با تو چه کار است؟ آیا نزد من آمدی تا گناه مرا به یاد آوری و پسر مرا بکشی؟ او وی را گفت: پسر تو را به من بده پس او را از آغوش وی گرفته بالای خانه که در آن ساکن بود برد و او را بر بستر خود خوابانید و نزد خداوند استغاثه نمود گفت: ای پوهه خدای من مسالت اینکه جان این پسر به وی برگردد و خداوند آواز ایلیا را اجابت نمود و جان پسر وی برگشت که زنده شد. (3)

در کتاب دانیال نبی باب دوازدهم مطالبی ذکر شده که مربوط به رجعت در آینده است و برخی نویسندگان آن را به رجعت در زمان حضرت مهدي (عج) نسبت داده‌اند و آن اینکه در آن زمان میکائیل امر عظیمی که برای پسرانم قم توایستاده است برخواهد خاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از زنانی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده و در آن زمان هر يك از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد اما اینان برای حیات جاودانی و آن به جهت خجالت و حقارت جاودانی (4)

و این همان اعتقاد شيعه است که معتقدند: خداوند در روز ظهور حضرت مهدي (عج) گروهی از مومنان خالص وعده‌ای از منافقان فاجر را در این دنیا با همان اندام و صورتی که بودند پیش از قیامت زنده می‌کند تا به گروهی از آنان عزت و گروهی دیگر را ذلیل گرداند.

رجعت در انجیل

در عهد جديد انجیل حکایاتی درباره زنده شدن دختری به دست حضرت عیسی (ع) نقل شده است: سرپرست عبادتگاه آن محل رسید و او (عیسی) را پرستش کرد و گفت: دخترم همین الان فوت کرد ولی استدعا دارم بیاید و دستتان را روی او بگذارید تا زنده شود پس عیسی و شاگردان به طرف خانه او راه افتادند ... وقتی عیسی به خانه سرپرست کنیه رسید و یا گروه نوحه خانها و مردم مضطرب روبرو شد، فرمود: همه‌تان بیرون بروید این دختر نمرده خوابیده است.

سرانجام وقتی همه بیرون رفتند عیسی در داخل اطاق رفت دست دختر را گرفت و دختر صحیح و سالم از جا بلند شد. (5)

یا داستان زنده شدن فرزند آن بیوه زن که دهی از فوت او در عزا و ماتم شد و حضرت عیسی (ع) که دلش برای داغ دیده

سوخته بود به امر پروردگار پسر را زنده کرد. (6) و یا داستان زنده ردن ایلغار که چهار روز از مرگش گذشته بود و او را به خاک سپرده بودند و حضرت عیسی (ع) به خواهش مرتا خواهر ایلغار او را به دنیا بازگرداند. (7)

رجعت در قرآن

در قرآن کریم به این اعتقاد شیعیان اشاره شده است از جمله آیاتی که مفسرین و علمای قرآن شناس آنها را به امر رجعت مرتبط دانسته‌اند می‌توان از آیه 83 سوره نحل یاد که خداوند در آن می‌فرماید: یوم نحشر من کل امه فوجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون. به خاطر آور روزی را که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم و آنها را نکه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند. شیخ حر عاملی در این باره می‌نویسد: دلالت این آیه بر حقانیت رجعت به قدری صریح و روشن است که اگر تفسیری هم از ائمه در این مورد نبود باز هم از آیه شریفه می‌توانستیم اثبات رجعت را استفاده کنیم (8) علامه طباطبایی نیز این آیه را مبین اعتقاد به رجعت می‌داند و می‌گوید چون در آیه از حشر گروهی از انسانها سخن به میان آمده است بنابراین مربوط به حشر در قیامت نمی‌باشد. (9)

آیه دیگری که مبین رجعت است آیه 55 سوره نور است: وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم. خدا به کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد، همانگونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند (تا) مرا عبادت کند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند. و یا آیاتی چون آیه 38 و 83 سوره نحل، بقره آیه 214 و بسیاری دیگر که مبین رجعت و بازگشت بعضی از انسانها به دنیاست.

منابع:

- 1- عهد عتیق، کتاب دوم پادشاهان ص 580، 581 آیات 32-38
 - 2- الايقاظ من الهجعه، ص 114.
 - 3- عهد عتیق ص 560.
 - 4- همان ص 1309.
 - 5- انجیل عیسی مسیح، ص 84.
 - 6- همان ص 80-81.
 - 7- همان ص 130-131.
 - 8- الايقاظ من الهجعه، ص 73.
 - 9- المیزان، ج 15،
- سایت موعود